

دفتر ثبت احکام و فرامین شاه شجاع الملک

به خدمت آن ردة لتاج السلطنت اظهار نمود و در حین تحریر آورد که سرکار انگلیسیه معاون سرکار افغانیه کردند محض برای اینکه این طوایف پراکنده افغانیه بسبب بزرگی و علو شان و پادشاهی این محتاج مراحم الهی یکی شوند و تقویت به ایشان حاصل شود که این تقویت ملک افغانیه به اتفاق پادشاهی این محتاج مراحم الهی تقویت صاحبان سرکار انگلیسیه است. اگر چه بعضی مردم بی خرد نا فهم به خیال می آورند که آمدن صاحبان انگلیسیه در اینطرف صرف از جهت گرفتن ملک است این معنی غلط اگر مقصد اقصی و غایب قسوا صاحبان تصرف ملک می بود ۳۰ سال قبل ازین درین ولایت افغانیه که در نهایت خرابی بود چرا صاحبان انگلیسیه با سهولت تصرف نمیشدند و دیگر وزیر مختار که بخد مت همایون ماست بخد مت آن فهرست جریده و الاشکو هی تعریف نموده که سرکار انگلیسیه فقط در انتظار یک اشارت نو اب همایون ماست که باقی لشکر خود را در هندوستان و ایس طلب دارد عین صدق و صرف استی است لیکن این نیاز مند در گام ایزدی است مصلحت در ترخیص لشکر صاحبان ندیدم تا که نظام ملک افغانیه بوجه احسن بشود و دیگر معاینه شود و معلوم گردد ادرات و قصد کسانیکه بیرون و خارج از دولت این متوکل علی الله است سرکار همایون ماو سرکار انگلیسیه. دشمنی نموده که نا حال جواب هیچ یکی از خطوط نیامده و ایلچی این سرکار دوستی آثار محمد حسین خان کاسی بیدار دار الحکومه بیعزت و بی جو اب داشته اند و ایلچی دوست نیاز مند در گام الهی را که سرکار انگلیسیه است مجبوس و مسجون در آنجا میباشد از ظهور این جمیع امورات گذشته تعجب است زیرا که دشمنان حین العداوت هم جو اب خطوط میدهد و ایلچی را عزت میدهد آنچه زبان زد خا مه مطلب نگار شد مکرر ثبت مرآة و هر چه وزیر مختار انگلیسیه نوشت از بابت این نیاز مند در گام احدیت و معرفت این متوکل علی الله به ظاهر و به باطن عین دوستی و بکرنگی بود. معلوم نیست که از ایلچی و غیره درین معامله چه قصور رفته که این نوع سلوک که خلاف

رای راه و رسم خسر و ان است از آن امیر المؤمنین ناشی شده اطلاع و انکشاف آن موجب از دیدار محبت و بکرنگی است یقین که ملتوی ندارند و نیز سرکار دولت مدار انگلیسیه بواسطه این نیاز مند در گاه الهی سائل اند که آیا آن امیر المؤمنین در حقیقت دوست سرکار انگلیسیه اند یا غیر آن؟ لہذا بشرافت و نجات پناہان حقایق و معارف اگاہان فضیلت و کمالات دستگاہان میا صفت الله و میا غلام حیدر صاحب زاده که از خاندان شریف و دودمان مقدس جناب امام ربانی حضرت مجدد الف ثانی قدس سرہ کہ از قدیم الایام دعا گوی در لتین میباشند همین سوال سرکار انگلیسیه را مفوض و محول فرموده از سال خدمت آن امیر المؤمنین نمودیم کہ علا و جہہ الاجل حقیقت حال را در یافت نموده مراجعت نمایند طریقہ محمودہ و شیوہ ستودہ آنست کہ دوستان را بزودی مطلع سازند اگر بعد از انکشاف ما مضی میخواستند کہ رشتہ دوستی را منظم گردانند ایلچی بزرگرتیہ و صاحب عزت و مرتبہ کہ لایق و شایستہ این دو لتین باشد فرستاده خواهد شد در آن زمان از سر کار انگلیسیہ نیز ایلچی با وقار خواهد رسید کہ آن امیر المؤمنین را از قواعد و فواید اطلاع بدهد و اراہہای سرکار انگلیسیہ را بہ آن امیر المؤمنین مشورت کند کہ از آب ہند تا آب چین چون این جمیع دولت ہا بہ استقامت و خورسندی و خوشنودی بمانند و لیکن قبل ازین میباید کہ کرنیل ستاورت صاحب کہ در سرکار جناب امیر اہمیت مرخص ساخته روانہ اینطرف سازند زیرا کہ بسیار نگہ داشتن کرنیل مذکور باعث خفت سرکار انگلیس میباشد . بہر صورت کرنیل ستاورت صاحب را بہ نہایت عزت و احترام روانہ حضور این دوستی ظہور سازند کہ ظہور این معنی موجب استحکامی اتحاد و دوستی این دولتین خواهد بود . درین معنی نواب ہمایون ماساعی است کہ ایلچی اگرچہ از سر کار ہمایون مانست لیکن ایلچی دوست سرکار ہمایون ما است و ہم چون دوستی کہ بوقت ضرورت کمک تام و رفاقت مالا کلام نموده است و این نیازمند در گاہ ایزدی آرزو دارند کہ سرکار انگلیسیہ نشان دوستی ہا و اظهار

یکرنگی نمایند که سرکار انگلیسیه به سرکار افغانیه دوستی یکرنگی لا تعد ولا تحصى نموده است. نواب هما یون مارا تمنا آنست که در انصرام وانجام این معامله امیر بخارا با سرکار افغانیه یک وجود شور بیک سان راه بوید که دل امیر بخارا هم مقتضی است که با سرکار افغانیه و سرکار انگلیسیه دوستی نماید هر چند سرکار انگلیسیه نمیخواهد که در ملک افغانیه و ملک ازبکیه هیچ دخل کند ولیکن شایق است و قوت بسیار دارد که بسرکار افغانیه و امیر بخارا نفع رساند تا لمعات صمصام ارباب جهاد ماحی فساد است و اصحاب صلاح و سد اد و قلاع قلع اهل عناد مبانی یکرنگی با ساطین تقویت و اهتمام و دعایم اعانت آن پادشاه خجسته فرجام سلطان سریر ایالت مبارز معارک بسالت در صدفه دریاب فلک رافت لازال لوای دولت منبصه فی قمته قبه الارتفاع و نقود ملکته مسکو کنه بسکته الام و البقا ثابت و قایم و قائم همواره موید دین مسلمین باد

تحریر ۲۳ شهر جمادی الاول ۱۲۵۵ .

* * *

(۱۳۷) غره شهر جمادی الثانی

معلوم عالیجاه رفیع جایگاه امارت و ایالت انتباه بابا بیک بوده باشد. عربضه مشعر بر خد متکاری و دعا گوئی خود ارسال حضور ساطع انور بندگان اشرف اقدس نموده بودید از نظر فیض اثر همایون گذشته مضامین آن حالی رای انور گردید خدمتکاری آن عالیجاه به بندگان همایون ماروشن است آنعالیجاه ازینطرف مطمئن خاطر بوده الطاف و اشفاق همایون را شامل حال دانسته حالات و کیفیات آنجا را متواتر معروض دارید تحریر فی غره شهر جمادی الثانی ۱۲۵۶

* * *

(۱۳۸) بتاریخ ۲ شهر جمادی الثانی . معلوم عالیجاه میرزا اقا جانخان حاکم

و مستاجر جلال آباد بوده باشد میباید بحصول اطلاع و بر مضمون دستخط آفتاب شعاع مبلغ یک هزار و سیزده روپیه که عوض طلب کورسین هند و دروجه عالیجاه شجاعت و تهور آگاه میگر بگر صاحب بهادر برسانید که بساهو مند کور برسد آنعالیجاه بخرچ ابواب جمعی خود مجری نمایند در اینباب حسب المقرر معمول داشته تا کیدراند شهر مند کور. هر گاه وجه مند کور نباشد غله را فروخته مبلغ مند کور را بر سیل تحویل برسانند.

(۱۳۹) معلوم عالیجاه رفیع جایگاه امارت و ایالت انتباه میر محمد امین بیگ والی بوده باشد عرایض مشعر بر خصوصیت و خد متکاری خود اولاً در خصوص کویف روانه شدن و آمدن خود بقصد جنبه سانی عتبه علیه و حالات وقوعه او و ثانیاً حقایقات رسیدن محمد افضل بار کزائی و غیره در تاشقرغان و فرار رسیدن دوست محمد خان معه ولدش از بخارا به شهر سبز و غیره مواد ارسال حضور ساطع النور بندگان اشرف اقدس نموده بودید از نظر فیض اثرهای یون گند شته مضامین آن حالی رای انور گردید به بندگان همایون ما روشن است که آن عالیجاه در خد متکاری روش و رفتار آباد. واجد اد خود را از دست نداده اند فضیلت پناه ملا محمد سعید خان بار کزائی که شرف اندرز حضور خاقانی شد حقیقت خد متکاری آن عالیجاه را مشروحاً بشرف عرض همایون رسانید در خد متکاری و اخلاص کیشی آن عالیجاه حرفی نیست و میر غلام بیگ ولد آن عالیجاه که بهر طریق ناصیه سانی عتبه علیه گردید نظر به خد متکاری آن عالیجاه شمول عنایات خاقانی است بهمه وجه مطمئن خاطر باشید که بند و بست همه امور بخوبی وجه خواهد شد. آن عالیجاه الطاف و اشفاق همایون را شامل حال

دانسته بهمین طریق رویداد آنجد و در امر عرض دارید.

پرونده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

* * *

(۱۴۰) معلوم عالیجاه میرزا آقا جان خان حاکم و مستاجر الکای جلال آباد

بوده باشد درینوقت بسمع اشرف رسید که و باجود تا کید تا حال جا بیداد عالیجاه عبدالرحیم خان را نداده اند میباید بحصول اطلاع و بر مضمون دستخط آفتاب شماع جا بیداد عالیجاه مذکور را و اگذارند که عالیجاه مذکور تصرف شود هرگاه و اگذار نشدند بانصد و پیه جرم از آن عالیجاه گرفته خواهد شد. در اینباب حسب المقر معمولداشته تا کید دانید شهر مذکور

* * *